

دو فصلنامه علمی تخصصی

اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

بررسی مقایسه‌ای آرای متفکران معاصر: سیدعلی خامنه‌ای و یوسف القرضاوی در چند مورد خاص

عرفان چهری^۱، محمد علی رضایی اصفهانی^۲

چکیده

امروزه بررسی‌های تطبیقی (مقایسه‌ای) منجر به شناخت نقاط قوت و ضعف و هم‌چنین آشنایی با مبانی اشتراک و افتراق نظرات دو متفکر می‌گردد. مقایسه‌ای آرای این دو در موضوعاتی خاص، چنانچه از دو فرقه متفاوت از یک دین باشند، امکان روشنگری، تقریب مذاهب یا اتحاد میان فرقه‌های یک دین را افزون می‌سازد. آیت‌الله خامنه‌ای مرجع شیعی ایرانی و شیخ یوسف القرضاوی عالم سنی مذهب مصری، هر دو از اندیشمندان معاصرند که شخصیت علمی، اجتماعی و سیاسی آنان، تأثیر بسیاری در تاریخ جهان اسلام ایجاد نموده است. پژوهش حاضر در پی رسیدن به مبانی اشتراک و اختلاف دیدگاه‌های آن دو و نقد و بررسی آن‌هاست. از این رو با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی چنین به دست آمد که این دو عالم بزرگ دینی در دو مسأله نگاه به انتخابات با توجه به دو اصل قرآنی «شورا و مشورت» و «وحدت و یکپارچگی» که تقویت حکومت اسلام را در پی دارد و هم‌چنین کیفیت استهلال و اثبات آغاز ماه قمری با یکدیگر اشتراک نظر دارند؛ که البته در مورد هر دو دیدگاه، مناقشات وجود دارد. از سوی دیگر، در نگاه به مسأله، عصمت، مهدویت، مرجعیت و نیز قضاوت زنان تفاوت اساسی در آرای طرفین مشاهده می‌شود. واژگان کلیدی: آرا، تطبیق، متفکران معاصر، سیدعلی خامنه‌ای، یوسف القرضاوی

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول). erfanchehri4585@gmail.com

۲. دکتری تخصصی، هیئت علمی جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیه، قم، ایران. erfanchehri@vatanmail.ir

۱. مقدمه

علی علیه السلام در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «قرآن نوری است که مشعل آن هرگز خاموش نگردد و چراغی است که درخشش آن تا ابد زوال نپذیرد. دریایی است که ژرفای آن درک نشود و طریق و مسیری است که راه آن به گمراهی نینجامد. سرچشمه، مخزن و دریای علم و دانش است که تشنگان، هرچه از آبش بردارند، کم نخواهد شد... خداوند قرآن را سیرکننده عطش علمی دانشمندان و باران بهاری برای قلب فقیهان قرار داده است...»

در حدود یک قرن اخیر، پژوهشگران و متفکران بسیاری از اقصای نقاط جهان متوجه نور و درخشش بی‌انتهای قرآن کریم شده و با غور و کنکاش در آیات آن و پیروی از دستوراتش، نظریات و آثاری از خود در زمینه قرآن ارائه داده‌اند که موجب شده جان تازه‌ای در علوم و معارف قرآنی دمیده شده و رهنمودها و راهکارهای مناسبی برای جامعه معاصر به ارمغان آورد.

آیت الله خامنه‌ای و شیخ یوسف القرضاوی از همین متفکران هستند که با آرا و اندیشه‌های خود در زمینه علوم قرآنی و اسلامی موجب تحولات فراوانی در دیدگاه و اندیشه جامعه اسلامی شده‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا تاریخچه و کارنامگی از زندگی و آثار این دو اندیشمند به صورت مختصر ارائه شده و در ادامه به بررسی وجوه اشتراک و افتراق مهم‌ترین نظریات آنان و ترجیح گفته‌های ممتاز ایشان، با بیان دلایل محکم و متقن پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه

در زمینه مطالعات تطبیقی (مقایسه‌ای) میان این اندیشمندان معاصر جهان اسلام و مبانی فکری آنان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که هر یک از جهتی به این مسأله پرداخته‌اند. از جمله: دادمحمد امیری در مقاله «بررسی تطبیقی آرای تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی و دکتر یوسف قرضاوی»، پس از بررسی مفاهیم اولیه مطالعات تطبیقی، نقاط اشتراک و افتراق فکری و تفسیری آنان را در برخی موارد بیان می‌کند.

حسن مجیدی و مهدی خزاعی در مقاله «مردم سالاری دینی در آرای رهبران جمهوری اسلامی و شیخ یوسف القرضاوی» به تبیین و مقایسه آرای نامبردگان در سه ساحت مبانی نظری، اصول و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی و نیز اصول تحقق عملی آن پرداخته‌اند.

در مقاله «سلفی‌گری جدید در اهل سنت و احیاگری شیعی؛ با تأکید بر آرای یوسف قرضاوی و مرتضی مطهری» نیز که نوشته رامین ولی‌زاده و مسعود محمدی است، در ابتدا اندیشه‌های احیاگری در تفکر شیعی با ایده‌های نوسلفی اخوانی قرضاوی مقایسه شده و سپس برخی از مبانی اشتراک و افتراق آنان بیان گردیده است.

نقطه تفاوت پژوهش حاضر در آرا و اندیشه‌های مهم آیت الله خامنه‌ای ایرانی و مفتی مصری الأصل شیخ یوسف قرضاوی با دیگر مقالات نگاشته شده، آرای این دو اندیشمند در موضوعات خاصی مانند و برخی از وجوه تشابه و تمایز آن‌ها با ذکر ادله بیان می‌شود.

۳. معرفی اجمالی سیدعلی خامنه‌ای

۳-۱. مشخصات فردی

نام: سیدعلی حسینی خامنه (مشهور به خامنه‌ای)

تولد: ۲۹ فروردین ۱۳۱۸ هجری شمسی، در ایران: مشهد

پدر: سیدجواد، متولد نجف. عالم و مجتهد حوزه علمیه نجف، از ائمه جماعات مسجد گوهرشاد و مدرّس دروس و علوم حوزوی در نجف و مشهد.

نسب: از طرف پدر: سادات افسطی و سلطان سیداحمد از اخلاف امام سجاد (ع) از طرف مادر: محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)

۳-۲. خلاصه سوابق علمی

استعداد فوق العاده ایشان در تلقی علوم دینی به صورتی بود که باعث شد رسائل، مکاسب و کفایه را در هفده سالگی تمام کرده و در سال ۱۳۳۵ شمسی در دروس خارج فقه و اصول آیت الله میلانی در مشهد شرکت کنند (غفاری، ۱۳۹۸، ص ۱۵). یک سال بعد نیز به سرزمین عراق مشرف شدند و برای مقایسه دروس و اساتید حوزه نجف و مشهد، مدت چند ماهی در درس بزرگانی چون: آیت الله خویی، سیدمحسن حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و میرزا حسن یزدی حضور یافتند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۲۴)؛ اما به علت نارضایتی پدر مبنی بر اقامت و سکونت در عراق، در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتند و پس از یک سال عازم قم شده و تا سال ۱۳۴۳ در دروس

فلسفه، فقه و اصول از محضر آیات عظام بروجردی، خمینی، حائری یزدی و علامه طباطبایی بهره بردند (جبرائیلی، ۱۳۹۸، ش، ص ۳۴). در سال ۱۳۴۳ عارضه‌ای در چشم پدر ایشان رخ داد و با وجود تمایل به توقف در قم، برای خدمت و رسیدگی به امور پدر به مشهد بازگشت و تا سال ۱۳۴۹ در همان جا ماند (صفحه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری). ایشان بعدها از این تصمیم و عمل خود مبنی بر بازگشت به مشهد و پرستاری از پدر، به مانند نقطه عطفی در کسب توفیقات زندگی شخصی و خدمت به جامعه یاد نموده‌اند (غفاری، ۱۳۹۸، ش، ص ۱۸). در نهایت در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ با برگزاری دروس تخصصی تفسیر برای طلاب علوم دینی و پس از آن، از سال ۱۳۶۹ به بعد نیز با برگزاری کرسی درس خارج فقه (باب‌های جهاد، قصاص، مکاسب محرمه و نماز مسافر) اهتمام خود و اهمیت توجه به مبحث علم و دانش را نشان داده‌اند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری).

از جمله مهم‌ترین تألیفات ایشان عبارتند از: **تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن، شرح بخش‌هایی از نهج البلاغه، چهار کتاب اصلی: علم رجال، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، حماسه امام سجاد (ع)، غناء و موسیقی و...** ایشان هم‌چنین آثاری چون موارد زیر را به فارسی ترجمه کرده‌اند: **صلح امام حسن (ع): پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، نوشته شیخ راضی آل یاسین، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، نوشته عبدالمنعم التمر، تفسیر فی ظلال القرآن و نیز کتاب آینده در قلمرو اسلام هر دو نوشته سید قطب.**

۳-۳. خلاصه سوابق سیاسی

آیت الله خامنه‌ای در سخنان خود بسیار از شهید نواب صفوی یاد کرده و اذعان دارند که بدون شک، اولین آتش و جرقه‌های انگیزشی انقلاب اسلامی را آن مرحوم در دل ایشان روشن کرده است (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۱). از همان سال ۱۳۴۱ که آیت الله خمینی به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی رژیم پهلوی [که جهت به انزوا کشیدن بیش از پیش اسلام صادر شده بود] اعتراض کرده و عملاً قیام علیه آن رژیم را آغاز کردند؛ با انتقال پیام‌های ایشان به آیت الله میلانی و دیگر علمای خراسان مبنی بر تداوم نهضت و آگاه‌سازی مردم، وارد میدان مبارزات علیه رژیم پهلوی شدند. این اولین دوره از جریان‌های سیاسی زندگی ایشان بود که به تعبیر خودشان

بسیار ساده و ابتدایی بوده است؛ اما دوره بعدی و جدی‌تر فعالیت‌های سیاسی ایشان پس از تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه در سال ۱۳۴۳ آغاز گردید که شامل مواردی از این قبیل می‌شد: سخنرانی‌ها، جلسات درس و تفسیر قرآن، ترجمه و تألیف کتاب، فعالیت‌های تشکیلاتی برای هم‌افزایی نیروهای مبارز، فعالیت‌های فکری و علمی برای تدوین جهان‌بینی اسلامی، تلاش برای وحدت شیعه و سنی و فعالیت‌های میدانی برای سازمان‌دهی تظاهرات مردمی (جبرائلی، ۱۳۹۸ ش، صص ۳۱۳-۳۱۱).

۳-۴. شخصیت سه بُعدی آیت‌الله خامنه‌ای

با سیری در زندگی ایشان و بررسی دوره‌های مختلف حیات علمی و معنوی او که در سه دوره مختلف در نجف، مشهد و قم [با تفکرات حاکم بر آن شهرها] می‌زیسته‌اند؛ و با توجه در کلام بزرگان در رابطه با ایشان، به دست می‌آید که شخصیت ایشان از همان اوان جوانی به صورتی شکل گرفته که متشکل از سه فرهنگ مختلف تربیتی است؛ یعنی ترکیبی از تفکرات و آداب و منش موجود در حوزه‌های علمیه نجف، مشهد و قم؛ به گونه‌ای که می‌توان کلیت روحیات حاکم بر زندگی علمی و معنوی ایشان را مجموعه‌ای از ولایت‌مداری اهل نجف در جوار علی‌علیه، تبعید خاص نسبت به مبانی روایات و اخباری‌گری علمای مشهد در جوار امام رضا‌علیه و مکتب عقلی-فلسفی حوزه علمیه قم در جوار حضرت معصومه‌علیه دانست. این شخصیت سه بُعدی یعنی توجه به حقیقت ولایت و بُعد معنوی زندگی انسان، توجه به سیره، سنت و روایات معصومان و نیز توجه ویژه به مبانی عقلانی و فلسفی به طور همزمان، در طول زندگی ظاهری، شخصی، اجتماعی و نیز در کیفیت آثار و تفاسیر و سخنرانی‌های ایشان مشهود است.

۴. معرفی اجمالی یوسف القرضاوی

۴-۱. مشخصات فردی

نام: یوسف القرضاوی، فرزند عبدالله

تولد: ۹ سپتامبر ۱۹۲۶ (برابر ۱۷ شهریور ۱۳۰۵ هجری شمسی)، در مصر، روستای «صفط تراب» واقع در مرکز «المحلة الكبرى» استان «الغربية» که محل دفن یکی از صحابه پیامبر به نام

عبدالله بن حارث بن جزء الزبیدی است.

وفات: ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ (برابر با ۴ مهر ۱۴۰۱) در قطر، شهر دوحه

۴-۲. خلاصه سوابق علمی

شیخ یوسف القرضاوی حفظ قرآن و آموختن احکام تجوید را تا قبل از ده سالگی به اتمام رساند. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی خود را در یکی از مؤسسات الأزهر گذراند و از ممتازین کشور مصر در دوران دبیرستان شناخته شد. در سال ۱۹۵۳-۱۹۵۲ میلادی به عنوان نفر ممتاز دانشکده اصول دین دانشگاه الأزهر برگزیده شد. به علت هوش و استعداد فراوان و توانایی بالا، در سال ۱۹۵۴ اجازه تدریس لغت عربی در دانشگاه را کسب کرد و به عنوان نفر اول در میان فارغ‌التحصیلان هر سه دانشکده دانشگاه الأزهر معرفی گردید. مدرک کارشناسی ارشد خود را از گروه علوم قرآن و سنت دانشگاه اصول دین در سال ۱۹۶۰ و مدرک دکترای خود را نیز در همان دانشگاه در سال ۱۹۷۳ با عنوان رساله «الزكاة وأثرها في حلّ المشاكل الاجتماعية» دریافت نمود (موقع سماحة الشيخ يوسف القرضاوی، السيرة الذاتية).

شیخ قرضاوی مجموعه آثار بسیاری بالغ بر ۱۷۰ عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف علوم قرآن و سنت، تفسیر، فقه، عقاید، تصوف و ادبیات (شعر و نثارت) به رشته تحریر در آورده است که از جمله آن‌ها عبارتند از: **العقل و العلم في القرآن الكريم، السنة و البدعة، تفسیر جزء عم (مجموعه دروسی از تفسیر جزء سی ام)، فقه الصلاة، فقه الزكاة، فقه الجهاد، الحلال و الحرام في الاسلام، الاجتهاد في الشريعة الاسلامية، الاسلام و العلمانية وجهاً لوجه، مركز المرأة في الحياة الإسلامية، عالم و طاغية (نمایشنامه‌ای تاریخی) و...**

۴-۳. خلاصه سوابق سیاسی

جماعت «إخوان المسلمین» یک جنبش فراملی اسلام‌گرا و بزرگ‌ترین گروه سیاسی اهل سنت در جهان اسلام است که با تأثیرپذیری از اندیشه‌های سید قطب، محمد عبده، محمد جوزان الغزالی و سید جمال الدین اسدآبادی شکل گرفت. بنیانگذار این جنبش در مصر و نخستین مرشد عام آنان «حسن البنا» نام داشت که در پاسخ به انحطاط داخلی مسلمانان و سلطه بیگانگان

بر کشورهای اسلامی در سال ۱۹۲۸ میلادی اقدام به تأسیس آن نمود (خسروشاهی، ۱۳۹۲، ص ۷۷ و ۸۵). هدف این جنبش انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه مصر، جهان اسلام و تأکید بر سازندگی جامعه و حکومت اسلامی بر اساس تمدن اسلامی بود (قرضاوی، بی تا، الإخوان المسلمون، صص ۱۰۵ و ۱۰۶) که بر اساس شعار «اللَّهُ غَايَتُنَا، وَالرَّسُولُ قُدُّوتُنَا، وَالْآنَ شَرَعُنَا، وَالْجِهَادُ سَبِيلُنَا، وَالْمَوْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمَانِينَا» پایه‌ریزی گردید (همان، ص ۲۶). شیخ یوسف القرضاوی نیز به اعتراف خودش تربیت شده همین مکتب و متأثر از تعالیم استاد خود یعنی حسن البنا بوده است (همان، ص ۲).

بررسی زندگی شیخ قرضاوی و تأثیرگذاری ایشان در جهان اسلام نشان می‌دهد که مهم‌ترین علل شهرتش این موارد بوده است: (۱) کتاب‌هایی با قلم روان و سخنرانی‌هایی با بیان سلیس (۲) برنامه‌های دینی و تلویزیونی خصوصاً در شبکه الجزیره قطر (۳) حمایت شاخه‌های إخوان المسلمین از او در سراسر جهان (۴) موضع‌گیری علیه برخی از حکام عرب و سران کشورهای غربی ۵ - حمایت از خیزش مردم در مصر، تونس، لیبی، سوریه و....

شیخ یوسف در طول حیات خود مناصب مهمی از جمله سرپرستی مؤسسه ائمه اطهار زیر نظر وزارت اوقاف مصر و سرپرستی قسمت فتی و مطبوعاتی اداره کل فرهنگ اسلامی الأزهر را بر عهده داشته است. در سال ۱۹۶۱ میلادی به قطر مهاجرت کرده و ریاست مؤسسه دینی متوسطه را در آن جا عهده‌دار گردیده است. در سال ۱۹۷۳ رئیس دانشکده‌های آموزشی دختر و پسر دانشگاه قطر شده و در سال ۱۹۷۷ با تأسیس دانشکده شریعت و معارف اسلامی دانشگاه قطر، ریاست آن را برای مدت حدود ۱۳ سال بر عهده گرفته است (موقع سماحة الشيخ يوسف القرضاوی، السيرة الذاتية). در سال ۲۰۰۴ نیز مؤسس و رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان بوده است.

۴-۴. شخصیت سه جانبه و متغیر شیخ یوسف القرضاوی

با بررسی ادوار مختلف زندگی شیخ یوسف القرضاوی و دنبال کردن مصاحبه‌ها و برنامه‌های ایشان با شبکه الجزیره و هم‌چنین سخنرانی‌ها و تألیفاتشان، می‌توان نتیجه گرفت که در طول مدت عمر علمی و سیاسی خود در سه برهه مختلف سه گونه شخصیت متفاوت داشته‌اند. اولین دوره مهم زندگی ایشان زمانی است که در مصر و جمعیت اخوان المسلمین مشغول به

فعالیت بوده است (۱۹۵۸ تا ۱۹۹۱ میلادی). وی در آن جا به جهت انتقادات صریح از رئیس جمهور مصر، جمال عبدالناصر، به شهرت رسیده و به همین دلیل نیز مدّتی دستگیر و زندانی شد. شیخ قرضاوی در آن برهه به عنوان یک عالم دینی، متفکر اسلامی، مفسّر قرآن و نویسنده‌ای پرکار شناخته می‌شد و آرا و نظریات ایشان در فقه، سیاست و مسائل اجتماعی، مورد توجه همگان بود. دوره دوم زندگی شیخ زمانی است که دولت قطر به جهت عدم وجود یک شخصیت مهم و مطرح دینی و سیاسی در کشور خود و به دنبال تقویت وجهه خود در حمایت از اسلام‌گرایان، از شیخ یوسف دعوت می‌کند و ایشان نیز به دلیل فرار از آزار و اذیت و سرکوب سیاسی در مصر (در زمان حُسنی مبارک)، در سال ۱۹۹۱ میلادی به آن جا پناهنده می‌شود. دولت قطر از این فرصت استفاده کرده و برای تبلیغ فعالیت‌های علمی، مذهبی و سیاسی و برجسته نمودن شیخ در میان مسلمانان به عنوان یک مرجع، شبکه «الجزیره» راه‌اندازی نموده و با صرف منابع هنگفت مالی و تبلیغاتی بسیار، از او یک شخصیت تأثیرگذار و پرطرفدار میلیونی در جهان اسلام می‌سازد. شیخ قرضاوی در طول این مدّت به عنوان عالم تقریب شناخته می‌شود و تمام دغدغه‌اش این بوده که مذاهب اسلامی را به هم نزدیک ساخته و یک وحدت جهانی را در میان مسلمانان ایجاد نماید. وی برای این مهم، سفرهای زیادی به کشورهای اسلامی از جمله ایران نیز انجام داد. مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز از برنامه‌های او در همین راستا بوده است. هم‌چنین او در این دوره به عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته جنبش «بیداری اسلامی» نیز شناخته می‌شد و از قیام‌های مردمی در سراسر جهان عرب حمایت می‌کرد. اکثر خطبه‌های او که در شش جلد کتاب **خطب الجمعة** منتشر شده، حاکی از این قضیه است [البته غیر از حزب الله لبنان که به دلیل شیعه بودن و مسائل دیگر، حمایت از آن‌ها را حرام می‌دانست].

اما سومین دوره زندگی شیخ زمانی شکل می‌گیرد که گرایش به تشیع در میان مسلمانان رو به ازدیاد می‌نماید و حتی فرزندش عبدالرحمن قرضاوی نیز شیعه می‌شود. به همین جهت تقریباً از حدود سال ۲۰۰۸ میلادی، تحت تأثیر فضا سازی‌ها و داد و ستدهای سیاسی و شروع بحران سوریه، آرام آرام موضع و دیدگاهش را نسبت به ایران و جنبش‌های مقاومت و آرای تقریب مذاهب خودش تغییر داده و رسماً اعلام می‌کند که اهل سنت تنها فرقه ناجیه است و بقیه فرق

اهل بدعت و گمراهی‌اند (موقع سماحة الشَّيخ يوسف القرضاوی، وثائق و بیانات، بیان للقرضاوی حول موقفه من الشيعة - ۲۰۰۸/۰۹/۱۷). او حتّی فتوای شیخ شلتوت مبنی بر مجاز بودن فرقه شیعه جعفری را نیز انکار می‌کند (همان، أخبار، القرضاوی: لا فتوى لشلطوت بالتَّعَبُّد على الجعفری - ۲۰۰۹/۰۹/۰۴). همسر دوم شیخ نیز پس از جدایی از او، تمام روابط و ارتباطات شیخ با صهیونیست‌ها و حتّی چند سفر او به سرزمین‌های اشغالی را به همراه عکس‌ها و مدارک موجود فاش می‌کند. در حقیقت این دوره نشان‌دهنده تغییر جهت شدید فکری شیخ در قبال دو دوره قبل است، به گونه‌ای که اتهامات، اعتراضات و حرف و حدیث‌های بسیاری را از ناحیه علما، دولتمردان اسلامی، عامه مردم و حتّی فرزندان به دنبال داشت.

۵. مقایسه مبانی، آرا و اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای و شیخ قرضاوی

در این قسمت از پژوهش به بررسی مقایسه‌ای آرا و نظرات دو شخصیت مورد بحث پرداخته شده و در مورد برخی مبانی و دیدگاه‌های مشترک و هم‌چنین تفاوت‌های موجود در نظریات آنان مطالبی مطرح خواهد شد.

۵-۱. دیدگاه‌ها و مبانی مشترک

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شیخ یوسف قرضاوی هر دو از شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار مکاتب اسلام و قرآنند و با آرا و نظریاتشان، تأثیرات فراوانی در حوزه تبلیغی خود در جهان اسلام داشته‌اند. به جهت اشتراک عقیدتی در اصل پذیرش دین اسلام و کتاب قرآن و لزوم تبعیت از مبانی دینی و قرآنی، نظریات مشابهی در میان آرای آنان مشاهده می‌شود که در ادامه بررسی می‌شود:

۱. انتخابات

انتخابات یک نوع فرآیند تصمیم‌گیری رسمی است که در آن مردم یا بخشی از آنان برای انتخاب یک فرد جهت تصدّی مناصب دولتی یا سایر موقعیت‌های قدرت و یا اداره امور عمومیرأی می‌دهند. این عمل که در قوانین دموکراسی وجود دارد به آنان امکان می‌دهد در تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد مداخله نمایند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با توجّه به جایگاه حسّاس رهبری جامعه، دیدگاه بسیار دقیق و

حساب شده‌ای نسبت به انتخابات دارند و آن را به مانند بیعت با انقلاب دانسته و جمهوریت و اسلامیت نظام را نیز وابسته به آن می‌دانند. در سخنان ایشان تعبیر مختلف دیگری نیز در مورد انتخابات دیده می‌شود. از جمله:

- واجب شرعی و سیاسی و وظیفه ملی و انقلابی
 - جهاد عمومی و امتحان الهی
 - پایه و زمینه ساز تحوّل
 - قدرت و استحکام و آبروی نظام اسلامی
 - اقتدار، امنیت و عزّت کشور و خنثی‌کننده نیت‌های شوم آمریکا و اسرائیل (خامنه‌ای، بی‌تا، بیانات، ج ۴۱، ص ۶۳؛ همان، بی‌تا، مکتوبات، ج ۱۰، ص ۳).
- شیخ یوسف القرضاوی انتخابات را نوعی از انواع شورا و مشورتی می‌داند که در قرآن بیان شده است و حتی تعدّد احزاب، همه‌پرسی‌ها، حقّ حکومت اکثریت، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و... را با ارزش‌های دینی سازگار دانسته و برگزاری صحیح انتخابات در جامعه را به عنوان مشارکت مردم در فرایند قانون‌گذاری معرفی کرده و راهی برای جلوگیری از رواج و گسترش استبداد برمی‌شمارد. برخی دیگر از عبارات و تعاریف او در مورد انتخابات بدین صورت است:

- فریضه شرعی عینی و مسئولیت ملی
 - تشبیه انتخابات و شخص رأی‌دهنده به شهادت دادن و شاهد در قرآن
 - عدم شرکت در انتخابات مساوی با کوتاهی در شهادت دادن و گناه (قرضاوی، بی‌تا، من فقه الدّولة فی الإسلام، صص ۱۸۳ و ۱۸۴) و (موقع سماحة الشیخ یوسف القرضاوی، وثائق و بیانات، المشاركة بالانتخابات).
- آنچه که از مجموع بیانات دو طرف به دست می‌آید، این است که دلیل اصلی و وجه اشتراک مبنایی در قضیه تأکید بر انتخابات در دیدگاه آنان، یکی مبنای قرآنی «اصل شورا و مشورت» است که در آیه ۳۸ سوره شوری به آن اشاره شده و این دو انتخابات را یکی از مصادیق همین اصل برمی‌شمردند. دیگری، اصل «وحدت و یکپارچگی» و جلوگیری از بروز تشّت و ناهنجاری است که در آیات فراوانی از جمله ۶۴ آل عمران و... به آن اشاره شده است و هر دو برگزاری

صحیح و شرکت حداکثری مردم را با توجه به همین اصل، موجب تأیید و تقویت حکومت اسلام و تضعیف و دور راندن دشمنان از مملکت اسلامی می‌دانند. به همین جهت مشاهده می‌شود که در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بر این مسأله توصیه و تأکید نموده و اقشار ملت را به شرکت در انتخابات تشویق می‌نمایند.

البته باید توجه داشت که مناقشاتی بر این دیدگاه و این شیوه رأی‌گیری و انتخابات کنونی وجود دارد که امکان انتخاب اصلح را خدشه دار نموده و موجب سقوط جامعه از عقل، اصالت و واقع‌بینی می‌شود. اولاً این که تمسک به دو اصل مطرح شده در این مصداق خاص، چندان کاربردی به نظر نمی‌رسد و نمی‌توان آن را بر انتخابات کنونی حمل نمود. مضافاً این که در چنین جریانی، انتخاب بهترین و دلسوزترین و عاقل‌ترین افراد به دست عامه مردم سپرده شده و آن‌ها را از جهت کفایت و درایت، هم‌ردیف با روشن‌فکرترین و عالم‌ترین افراد آن جامعه قرار می‌دهد؛ در حالی که چه بسا رأی و نظر آن دانشمند و عالم به اندازه آرا تمام آن ملت ارزش و اعتبار داشته باشد. هم‌چنین این شیوه رأی‌گیری هیچ پایه‌ای از قرآن و احادیث ندارد، بلکه بنای اسلام بر انتخاب از طریق افراد متخصص، متعهد، مؤمن و اهل حل و عقد و افراد خبره است نه اکثریت عوام الناس (حسینی طهرانی، سید محمدحسین، ۱۳۹۸ ش، ج ۳، صص ۲۵۳-۱۹۷؛ همان، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۰۳). هم‌چنین در انتخابات موجود در جوامع کنونی مشاهده می‌شود که ملاک افراد برای انتخاب یک فرد، عموماً وابستگی‌های قوم و خویشی و قبیله‌ای، سخنان فریبنده و وعده‌های دروغین شخص نامزد، بذل و بخشش‌های آن چنان، پوستره‌های تبلیغاتی رنگ و لعاب‌دار، زرق و برق‌های چشم‌پرکن و اجتماعات حزبی و... است؛ و رأی‌دهندگان به هیچ وجه لیاقت شخص منتخب، استعداد، تعهد و تخصص او در تدبیر امور و اداره اجتماع و اصلاح جامعه را در نظر نمی‌گیرند (حسینی طهرانی، سید محمدمحسن، ۱۳۹۳ ش، صص ۷۳ و ۷۴).

۲. رؤیت هلال

استهلال یا همان تلاش برای رؤیت هلال ماه قمری، یکی از راه‌های شرعی است که آغاز ماه قمری را با رؤیت هلال ماه اثبات می‌کند. در بسیاری از آیات قرآن به مسأله ماه، رؤیت هلال و منازل مختلف آن اشاره شده و فواید آن در جهت شمردن و حساب کردن سال و ماه برشمرده شده

است؛ از جمله: سوره یونس، آیه ۵. بسیاری از عبادات و اعمال واجب و مستحب از قبیل حج، روزه، لیالی قدر و نیز برخی از مسائل حقوقی مانند دیه (که مقدار آن در ماه‌های حرام ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب دو برابر است)، به رؤیت هلال اوّل ماه قمری بستگی دارد. البته در میان فقهای اسلامی مبانی مختلفی برای تعیین اوّل ماه وجود دارد، به صورتی که اکثراً رؤیت هلال را فقط با چشم سر و بدون کمک هیچ وسیله‌ای به صورت عادی ملاک می‌دانند^۱ و برخی نیز رؤیت هلال را با هر وسیله و به هر طریقی که باشد صحیح می‌دانند^۲.

فتوای آیت الله خامنه‌ای در این رابطه چنین است که رؤیت هلال اوّل ماه قمری با وسایلی مانند تلسکوپ، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ش، اجوبه‌الاستفتائات، ص ۲۱۱).

شیخ یوسف القرضاوی ابتدا در سال ۱۹۹۰ میلادی اعلام نمود که باید از حساب و تقویم فلکی که قطعی و یقینی است، حداقل برای نفی آغاز ماه قمری استفاده کرد؛ به این معنا که اگر حساب فلکی اثبات کند رؤیت هلال غیرممکن است، دیگر در این باب شهادت شهودی که اعتراف می‌کنند ماه را دیده‌اند مورد قبول نیست (قرضاوی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷؛ همان، بی‌تا، السياسة الشرعية، ص ۱۳۶)؛ اما پس از چندین سال نظر او تغییر کرده و بیان می‌کند که چون امروزه اثبات هلال ماه به وسیله محاسبات ریاضی و فلکی جدید امری یقینی است، لذا واجب است که به عنوان یک قیاس برتر و اولی پذیرفته شده و به آن عمل شود. ایشان می‌گویند وقتی که سنت، رؤیت با چشم عادی را که در آن احتمال خطا و شک وجود دارد، مجاز قرار داده، پس قطعاً وسیله‌ای که اعلا، اکمل و یقینی‌تر است، برای اثبات مقصود اولی و سزاوارتر به صواب است (قرضاوی، ۲۰۰۸م، ص ۱۸۱). اما از مجموع دلایل و مدارک به دست می‌آید که در رؤیت هلال، ملاک این است که ماه در حدّی از افق آسمان و ارتفاع بالا بیاید و از تحت الشعاع خارج شود که غلبه نور خورشید در هنگام غروب [که به آن قاهره نور شمس گفته می‌شود] مانع از رؤیت هلال برای چشم عادی و غیر مسلح نشود (پورتال مکتب وحی، شرح اسفار ملاصدرا، فصل ۹، جلسه ۷۶) و شارع مقدّس نیز ثبوت اوّل ماه را بر

۱. آیات عظام: خویی، محمدرضا گلپایگانی، صافی گلپایگانی، خمینی، اراکی، سیدمحمد صدر) و سیستانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، حکیم و مدرّسی.

۲. آیات عظام: بهجت، فاضل لنکرانی، حسینی حائری، نوری همدانی و محفوظی.

اساس همین مبانی عرفیه بر رؤیت هلال با چشم ظاهر و عادی قرار داده و سیره و سنت پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ پس نباید ادوات دیگری از قبیل تلسکوپ و دوربین‌های قوی را به کار بُرد. هم‌چنین رفتن به ارتفاعات بسیار بالاتر توسط هواپیما و... نیز صحیح نیست و در صورت رؤیت هلال به این طرق، کفایت از دخول ماه قمری را نمی‌کند؛ زیرا آن وسایل با قدرت و نیروی ابزاری خود نور خورشید را شکسته و بر آن غلبه کرده و به طور غیرعادی و خارج از عادت، موجب رؤیت هلال می‌شوند. رفتن به ارتفاعات بالاتر نیز موجب خروج از افق مکان زندگی شده و در سطحی غیر از کره زمین منجر به مشاهده ماه می‌شود و در این صورت حتی می‌توان یکی دو روز زودتر هلال ماه را رؤیت کرد و این قطعاً و بدون شک، خلاف است.

البته در برخی موارد مشاهده می‌شود که حکم در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به یک کیفیت بوده و هم‌اکنون در زمان حاضر با وجود اکتشافات و فتاوری‌های جدید، حکم به صورت دیگری است. به بیان دیگر، شرایط زمان و مکان بر آن تأثیر می‌گذارد و آن در جایی است که فی حدّ نفسه بر خود آن موضوع حکم خاصی بار نشود و طبق اختلاف شرایط، حکم آن نیز شرایط جدیدی پیدا کند؛ مانند الکل یا خون که در زمان قدیم استفاده خاص و فایده محله‌ای بر آن‌ها مترتب نبود و لذا هرگونه استفاده و بیع و شرای آن‌ها نیز حرام بود. اما امروزه از الکل برای ضد عفونی و استریل و مانند آن و از خون برای نجات جان افراد و... استفاده شده و کاربرد بسیاری هم دارند؛ لذا خرید و فروش و سود حاصل از آن‌ها نیز حلال است [البته باید توجه داشت که خوردن‌شان حرام و تماس با آن‌ها همچنان نیاز به تطهیر دارد] (پورتال مکتب وحی، شرح دعای ابوحمزه ثمالی ۱۴۳۶ق، جلسه ۴). هم‌چنین با دلیلی خیلی ساده‌تر و روشن‌تر، می‌توان عدم صحت و کفایت استفاده از این ابزار و طرق را بیان نمود: فرض کنید در زمان پیغمبر امشب با چشم عادی ماه رؤیت نشده است و آن حضرت فردا را روز سی‌ام ماه رمضان اعلام نموده‌اند، در صورتی که اگر تلسکوپ در آن زمان بود، ماه دیده می‌شد و پیغمبر فردا را روز عید فطر اعلام می‌کردند و این قطعاً خلاف است و امکان ندارد پیغمبر امر حرامی را انجام داده و روز عید فطر را روزه گرفته باشند. این مسأله طبیعتاً در طول زندگی پیامبر و دیگر ائمه به وفور اتفاق افتاده است و اگر چنین فرضی را در نظر بگیریم، باید قائل به این باشیم که آن بزرگواران یا جاهل به مسأله بوده و حقیقت مطلب را نمی‌دانسته‌اند

و باطن ملکوت بر ایشان روشن نبوده، یا در طول ایام سال دچار امور غیر صحیح و حرامی برای اعمال عبادی شده‌اند، که هر دو فرض باطل و غلط است. از این جاست که متوجه می‌شویم شارع مقدس همان رؤیت عادی و با چشم ظاهر و غیر مسلح را مدّ نظر قرار داده و این امر در تمام کره زمین و در هر زمانی قابل اجراست، همان طور که فرموده: «صُومُوا لِرُؤُوتِهِ وَ أَفْطَرُوا لِرُؤُوتِهِ»^۱.

۵-۲. دیدگاه‌ها و مبانی مورد اختلاف

طبیعتاً در میان علما و بزرگان، به جهت تفاوت‌هایی که در عقیده و مذهب، مبانی فکری، گرایش و رویکرد خاص به مسائل علمی وجود دارد، در نظریات و دیدگاه‌های آنان نیز اختلافاتی حاصل می‌شود که بر اساس آن، کیفیت تفاوت فتوا و نظریه کاملاً مشهود است. آیت‌الله خامنه‌ای و شیخ یوسف قرضاوی نیز با وجود اشتراکاتی که در برخی از مسائل و نظریات دارند، در برخی موارد و مبانی نیز تفاوت عقیده و نظر دارند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. مذهب

پس از رحلت پیغمبر، تشنّت و اختلافاتی در میان اصحاب رخ داد که موجب تفرقه در میان امت گردید و هر دسته به سمتی گرویدند. عده‌ای راه اهل بیت عصمت و طهارت را در پیش گرفته و «شیعه» نامیده شدند و عده‌ای نیز پیرو خلفای ثلاثه گردیده و به «اهل سنت» مشهور گشتند. یکی از مبانی اساسی اختلاف میان دو شخصیت مورد بحث که در آرا و نظرات ایشان بسیار مؤثر بوده و تفاوت مشهودی را در دیدگاه‌های طرفین نشان می‌دهد، همین تبعیت از مذهب شیعه یا اهل سنت است. آیت‌الله خامنه‌ای، علی‌الیه را خلیفه بلا فصل رسول الله ﷺ و منصوب از ناحیه خدا دانسته (خامنه‌ای، بی‌تا، بیانات، ج ۹، ص ۵) و معتقد به حقانیت مذهب تشیع و عصمت ائمه اثنی عشر علیهم السلام و حقیقت خلافت آنان بر مردم پس از پیغمبر است و ولایت تکوینی و هدایت مردم تا روز قیامت را منحصر در معصومان علیهم السلام می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۹۶). اما شیخ یوسف قرضاوی طبق عقیده خود در پیروی از مذهب اهل سنت، قائل است که ابوبکر بر اساس لیاقت

۱. روایتی است از پیغمبر اسلام مبنی بر این که ابتدا و انتهای ماه رمضان با دیدن هلال ماه مشخص می‌شود. یعنی در ابتدای ماه رمضان با دیدن هلال ماه روزه بگیرید و در ابتدای ماه شوال نیز با دیدن هلال ماه افطار کرده و عید بگیرید (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۴۰۳).

و شایستگی اش خلیفه پس از پیامبر است (قرضاوی، بی‌تا، خطب الجمعة، ج ۳، ص ۱۲) و اصحاب پس از وفات آن حضرت، مسأله انتخاب امام و خلیفه را حتی بر مسأله دفن ایشان مقدّم داشته و به سرعت بر بیعت با ابوبکر اجماع نمودند (قرضاوی، بی‌تا، من فقه الدولة فی الإسلام، ص ۱۴). این در حالی است که این ادّعای بیعت و اجماع، هیچ‌گونه مستندی در کتاب و سنت ندارد و صرفاً بر اساس موافقت با ذوق عامّه و اختراعات آنان ایجاد شده است (بحرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹) و طبق کلام بزرگان، ریشه اهل سنت اجماع است و ریشه اجماع هم اهل سنت هستند (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۹). همین اختلاف در مذهب دو متفکّر، موجب می‌شود که در فتاوا و نظریات فقهی و تفسیری نیز با توجّه به مبانی دو مذهب شیعه و سنی، تفاوت‌های اساسی داشته باشند.

۲. عصمت پیامبر و امامان شیعه

عصمت از واژه «عصم» به معنای منع‌کردن، بازداشتن، نگه‌داری و حفاظت نمودن است و در حقیقت همه این معانی به یک ریشه بازمی‌گردند؛ مانند: «لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ» و «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۴۰۴)؛ و در اصطلاح نیروی و اطمینانی است که شخص با اختیار خود و به واسطه ایمان و شهود قلبی چنان معرفتی به عظمت پروردگار پیدا می‌کند که شدّت خوف و هراس از رانده شدن و ابتعاد از درگاه الهی، او را از انجام هرگونه خطا و عصیانی به دور می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۳۴۴؛ حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۴۲۵). در میان شیعه و اهل سنت، اختلاف نظر شدیدی در رابطه با این مفهوم کلامی وجود دارد که یکی از مبانی اساسی در بروز تفاوت آرا آنان است.

آیت الله خامنه‌ای معتقد است که چهارده معصوم به طور مطلق معصوم‌اند؛ هم از گناه و هم از خطا و اشتباه (خامنه‌ای، بی‌تا، بیانات، ج ۲۳، ص ۴۲) اما در آثار و سخنان شیخ یوسف قرضاوی بیان شده که از میان انسان‌ها تنها پیغمبر اسلام، آن هم در آنچه که بر او وحی می‌شود معصوم از گناه و اشتباه است و غیر از ایشان نمی‌توان ادّعای عصمت در مورد شخص دیگری نمود (قرضاوی، بی‌تا، من فقه الدولة فی الإسلام، ص ۳۸؛ موقع سماحة الشیخ یوسف القرضاوی، سیره و مسیره، زواج بناتی الأربع). در بررسی دیدگاه شیخ باید گفت که عصمت پیغمبر و امامان علیهم‌السلام، به وضوح و روشنی تمام

از طریق آیات قرآن و روایات قابل اثبات است و جای هیچ‌گونه خدشه‌ای بر آن وارد نیست. آیات ابتدایی سوره نجم، آیه ۵۹ نساء، آیه ۲۱ احزاب و آیه ۶ سوره اعلی، همگی دلایل اثبات عصمت تام پیغمبر در تمامی حالاتند. همین آیات به ضمیمه حدیث ثقلین و حدیث منزلت نیز عصمت امامان شیعه را اثبات می‌کنند.

به نظر می‌رسد که شیخ قرضاوی و دیگر بزرگان اهل تسنن در قبول حقیقت عصمت پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام راه کمال و انصاف را در پیش نگرفته‌اند؛ چرا که از طرفی معتقدند ظاهر آیات قرآن، عصمت هیچ کسی غیر از پیغمبر را اثبات نمی‌کند، در حالی که حتی ظاهر همان چهار آیه مطرح شده، بی‌هیچ استدلالی، ظهور در عصمت دارد. همچنین آیات بیان‌کننده طهارت و اصفای حضرت مریم در سوره آل عمران، از دیگر دلایل نقض گفتار آنان است. ایشان عدم ذکر نام امامان شیعه در قرآن را دلیل بر عدم عصمت آنان می‌دانند، در حالی که هیچ عاقلی چنین استدلالی را به عنوان دلیل بر رد عصمت نمی‌پذیرد. از سوی دیگر، تمامی روایت‌های وارد در این زمینه را از حجّیت و اعتبار ساقط نموده‌اند و قبول ندارند، در حالی که عدم پذیرش روایات وارده در این زمینه، عدم پذیرش دیگر روایات و بی‌اعتبار شدن سنت را نیز به دنبال دارد. از دیگر سو، عقل و استدلالات عقلی را به عنوان منبع استنباط احکام و اصول دین نمی‌پذیرند که این نیز خود، مخالفت با صریح آیات قرآن در رابطه با اهمّیت تعقل و تفکر است.

۳. مَهْدَوِیَّت

اصل و حقیقت «مَهْدَوِیَّت» که به معنای اعتقاد و باور به ظهور منجی آخرالزمان، برای برقراری صلح و عدالت جهانی، رهایی و نجات انسان‌ها از قیود و ظلمت‌های دنیا و هدایت به راه سعادت است، در میان تمامی فرق اسلامی و همه مسلمانان وجود دارد. تنها فرق قضیه در این است که شیعیان، آن منجی را با مشخصات و خصوصیات کامل می‌شناسند و یقین به حیات او دارند؛ که همان دوازدهمین امام یعنی حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه‌السلام است (خامنه‌ای، بی‌تا، بیانات، ج ۲۷، ص ۳۹؛ همان، ج ۳۰، ص ۲۲). اما شیخ یوسف قرضاوی برخلاف مرام و ممشای خود در تقریب مذاهب، در برابر قضیه مه‌دویتی به شدت موضع گرفته و بیان می‌کند که طبق آیات قرآن، خداوند نعمتش را بر بندگان تمام و دینش را کامل و آخرین پیغمبرش را نیز مبعوث نموده و دیگر

احتیاجی به چنین امامی نیست. ایشان شبهاتی را نسبت به مسأله مهدویت وارد کرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره شده و سپس مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند:

۱. او می‌گوید: «قَضِيَةُ الْمَهْدِيِّ كُلُّهَا لَا أَصْلَ لَهَا فِي الْقُرْآنِ وَلَمْ يَتَحَدَّثْ عَنْهَا بِالْعِبَارَةِ وَلَا بِالِإِشَارَةِ»؛

یعنی مسئله مهدویت، هیچ‌گونه اصل و اساسی در قرآن ندارد و نه به صورت مستقیم و نه غیرمستقیم، هیچ مطلبی در مورد آن نیامده است.

۲. هم‌چنین گفته‌اند که اگر مهدویت حقیقت داشت، باید در **صحیح بخاری و صحیح**

مسلم، روایتی در مورد آن می‌آمد؛ در صورتی که هیچ روایتی در رابطه با این موضوع در آن‌ها نیامده است.

۳. و در نهایت می‌گوید: اگر روایتی در غیر از این دو کتاب درباره مهدویت آمده باشند، از

جهت سندی مخدوش هستند و شرایط صحت و اعتبار را ندارند (موقع سماحة الشيخ يوسف القرضاوی، سیره و مسیر، احتلال المسجد الحرام).

در پاسخ به شبهه‌های ایشان می‌توان گفت:

۱. برخی علمای بزرگ اهل سنت که شخص آقای قرضاوی نیز به آن‌ها ارادت ویژه دارد، تصریح

نموده‌اند که تفسیر تعدادی از آیات قرآن، ناظر بر قضیه مهدویت و زمان خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ به عنوان نمونه: ثعلبی (۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۳۶)، فخر رازی (۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۳۳)، قرطبی (۱۳۶۴ش،

ج ۸، ص ۱۲۱) و آندلسی (۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۰۶). در مورد آیه ۳۳ سوره توبه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» نیز نقل کرده‌اند که مربوط به خروج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف است و همه مردم در آن زمان یا به اسلام وارد می‌شوند یا خراج و جزیه پرداخت می‌کنند. هم‌چنین

در تفسیر آیه ۱۱۴ سوره بقره گفته‌اند: زمانی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف قیام کرده و قسطنطنیه را فتح

کند، تمامی کفار و ظالمانی را که در برابر حکومتش مقاومت کنند، به ذلت و خواری می‌کشاند (ابن

ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۹۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۸).

۲. طبیعتاً **صحیح بخاری و صحیح مسلم**: شامل تمامی روایات مورد تأیید اهل تسنن

نیستند و خیلی از روایات آنان در طول تاریخ حذف شده است. حتی خود بخاری اذعان نموده

که تمامی روایات صحیح را نیاورده است (عسقلانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۲۰). هیچ عقلی نمی‌پذیرد که

تمامی مباحث و معارف اسلامی، منحصر در این دو کتاب باشد. علاوه بر این، هیچ کدام از علمای اهل سنت، شرط صحت روایت را، وجود آن روایت در این دو کتاب ذکر نکرده‌اند و برای استنباط مسائل فقهی، ناگزیر به مراجعه به سنن و مسندهای دیگر نیز هستند.

لازم به ذکر است که بر خلاف ادّعی جناب قرضاوی، روایتی از ابوهریره در این دو کتاب نقل شده که پیغمبر فرمودند: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيْكُمْ وَإِمَائُكُمْ مِنْكُمْ؟» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵؛ قشیری نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۲۴۶). این در حالی است که برخی شارحان اهل سنت منظور و مراد از عبارت «إِمَائُكُمْ مِنْكُمْ» را حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و قائم و حجت خدا در آخر الزمان دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۶، ص ۴۹۴؛ العینی الحنفی، بی تا، ج ۱۶، ص ۴۰).

۳. در پاسخ این شبهه آقای قرضاوی باید از ایشان پرسید که اولاً: آیا احادیث صحیح فقط منحصر در کتاب‌های اهل تسنن است؟! در حالی که روایات منقول از پیغمبر و امامان شیعه، چندین و چند برابر روایات اهل سنت است. تنها درباره مهدویت، بیش از ۳۵۰۰ حدیث در کتاب **منتخب الاثر** صافی گلیایگانی جمع‌آوری شده است. ثانیاً: اگر شیعه اعتقاد به مهدویت دارد، هیچ ضرورتی احساس نمی‌شود که برای اثبات این عقیده به کتاب‌های اهل سنت مراجعه نماید؛ چرا که در کتب شیعه احادیث کافی و وافی با سندهای صحیح، معتبر و متواتر در این مورد وجود دارد. ثالثاً: مهدویت از مباحث قطعی و ضروری دین است که شخص پیغمبر نیز بر آن تأکید داشته‌اند. جالب است که صرف نظر از اهل سنت، حتی وهابیت که دشمنی دیرینه با شیعه دارد، اذعان و اعتراف نموده که بحث مهدویت و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، بر مبنای روایات صحیح و متواتر است و انکار آن ناشی از جهل و عناد است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۲۵۴).

در نهایت لازم به ذکر است که در اصل قضیه مهدویت، تمامی مسلمانان اعم از شیعه و سنی و حتی وهابیت متفق‌اند. آنچه که مورد اختلاف است، تفاوت عقیده در شخص امام زمان و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و خصوصیات فردی اوست. با این وجود تعدادی از علمای اهل سنت اذعان دارند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، نامش محمد، کنیه‌اش ابوالقاسم و نام مادرش نیز نرجس (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۴۶) و هم‌اکنون زنده است و هیچ امتناعی برای دوام و طول عمر او وجود ندارد، چرا که حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه و حضرت الیاس عجل الله تعالی فرجه و حضرت خضر عجل الله تعالی فرجه نیز که از اولیای خداوند،

فعلاً زنده اند (گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۲۱).

۴. مرجعیت و قضاوت برای زنان

دین مبین اسلام به عنوان یک مکتب الهی و متعالی، قائل است که زن و مرد حقوق برابری دارند و بر همین اساس با توجه به خصوصیات روحی-روانی و فیزیکی آنان، وظایف و مسئولیت‌های متفاوتی را بر عهده آنان نهاده و حقوقی متناسب با شأن آنان اعتبار نموده است. باید توجه داشت که تساوی حقوق، با تشابه حقوق فرق بسیاری دارد و اگر عده‌ای چنین فکر کرده‌اند که اسلام بین حقوق زن و مرد تبعیض قائل شده است، ناشی از همین نوع تفکر و برداشت اشتباه از کلمات تساوی و تشابه است یک زن به جهت زن بودن، هیچ‌وقت نمی‌تواند مانند یک مرد باشد و بالعکس (قرضاوی، بی‌تا، خطب الجمعة، ج ۲، صص ۲۸۲-۲۸۰؛ مطهری، ۱۳۹۰ش، بخش هفتم). از مواردی که هر جامعه‌ای نیاز مبرم و جدی به آن دارد، مسأله مرجعیت و قضاوت است که از پست‌های حساس و مهم نیز محسوب می‌شوند. آیت الله خامنه‌ای با نظر به همان ویژگی‌های خاص زنانه و مدارک قرآنی و روایی، مرجعیت و قضاوت را برای زنان جایز ندانسته و صراحتاً بیان می‌کنند که زن نمی‌تواند مرجع تقلید و قاضی بشود (خامنه‌ای، بی‌تا، بیانات، ج ۳، ص ۴). البته در موارد خاصی صدور فتوا از ناحیه زنان مجتهد [فقط برای خانم‌ها و آن‌هم فقط در مسائل خاص زنانه] را جایز و حتی لازم می‌دانند (خامنه‌ای، دیدار جامعه مدرسین حوزه علمی قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۵). ایشان در جای دیگر مطرح کرده‌اند که: «يك زن، جز در مورد رهبری که به خاطر مرجعیت تقلید، شرط مرد بودن دارد و جز در مورد رئیس جمهور و همچنین قضاوت، می‌تواند بقیه مسائل و مشاغل و مسؤولیت‌های عظیم و مقامات عالی کشوری را متصدی شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۲۲). اما شیخ یوسف قرضاوی، غیر از امر رهبری و حکومت کلی جامعه، بقیه مسندها اعم از مرجعیت و صدور فتوا، ریاست امور اداری و قضایی، عضویت پارلمان و... را برای زنان جایز می‌داند (شبکه الجزيرة، برنامه تلویزیونی الشريعة والحیوة، الأهلية السياسية للمرأة - ۲۰۰۵/۰۳/۲۳). با در نظر گرفتن مطالب و دلایل زیر، عدم جواز مرجعیت و قضاوت برای زنان، نزدیک‌تر به صواب به نظر می‌رسد:

۱. طبق آیه ۳۴ نساء ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...﴾، خداوند مردان را به جهت امتیازاتی در عقل، علم و تدبیر، سرپرست و قیم زنان قرار داده است، در حالی که تقلید مرد از زن یا

قضاوت زن، نوعی ولایت و سلطه زن بر مرد است که با ظاهر آیه قرآن و قیمومیت مطلق مرد منافات دارد.

۲. برخی روایات وارده در مجامع روایی شیعه و اهل سنت مانند: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ» و امثال آن، دلالت بر عدم جواز مرجعیت و قضاوت زنان دارند (سید بن طاووس، ۱۴۰۰ ق، ج ۱، ص ۲۸۶؛ بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۶۱۰، ح ۴۱۶۳).

۳. با بررسی کلی سیره و سنت پیغمبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز مشاهده می‌شود که آن بزرگواران در هیچ زمان یا برهه خاصی مرجعیت یا قضاوت را حتی به صورت موقت به عهده زنان قرار نداده‌اند.

۴. با توجه به غلبه عواطف و احساسات در خلقت طبیعی زن و لزوم وجود روحیه ای قاطع و محکم در امر مرجعیت و قضاوت، به دست می‌آید که این مسأله با روح و روان زن و خصوصیات اخلاقی او سازگار نیست.

۶. نتیجه‌گیری

آیت الله خامنه‌ای و شیخ یوسف قرضاوی از شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار معاصرند که فعالیت‌ها و دیدگاه‌های مختلف آنان در زمینه‌های علوم قرآن و مسائل سیاسی و اجتماعی تحولات بسیاری در جهان اسلام و منطقه ایجاد کرده است. بررسی زندگی آنان نشان می‌دهد که آیت الله خامنه‌ای یک شخصیت ممتاز سه بعدی متشکل از توجه به ولایت، توجه به سیره و سنت و روایات، و توجه به مبانی عقلانی و فلسفی را به طور همزمان داراست، در حالی که شیخ قرضاوی در طول حیاتشان یک شخصیت سه جانبه و متغیر از خود نشان داده‌اند که در دوره آخر زندگی خود، با تغییر منش و روش و ارائه نظریات مخالف با دیدگاه‌های تقریب مذاهب خودشان، آثار منفی بسیاری بر جای گذاشته و مخالفت خیلی از دولتمردان، علما و حتی مردم را علیه خود برانگیخته‌اند.

آرا و نظرات هر دو شخصیت، حاکی از این است که با توجه به دو اصل قرآنی «شورا و مشورت» و «وحدت و یکپارچگی» انتخابات را وظیفه شرعی و ملی دانسته و اقتدار و تقویت حکومت اسلام را وابسته به آن می‌دانند. البته مناقشاتی بر این نحوه استدلال و این دیدگاه و شیوه انتخابات

کنونی وجود دارد؛ از جمله: عدم تناسب تمسک به دو اصل مورد نظر در مورد انتخابات، عدم موافقت با مبانی سنت و سیره معصومان علیهم السلام، یکسان قرار دادن آرا یک فرد عامی و بی سواد با یک عالم وارسته و روشنفکر، عدم توجه غالب رأی دهندگان به تخصص و تعهد نامزدها به جهت وابستگی های مختلف و فریب های تبلیغاتی و موارد دیگر. همچنین هر دو متفکر، رؤیت هلال ماه به هر وسیله و کیفیتی را جایز دانسته و مجوز ورود به ماه قمری را صادر می کنند؛ در حالی که طبق ادله و مبانی دقیق تر، رؤیت ماه باید به وسیله چشم ظاهر و بدون کمک هرگونه وسایل پیشرفته صورت گیرد.

این دو اندیشمند در اصل مذهب دینی خود، یعنی شیعه و اهل سنت و هم چنین پذیرش امامت و عصمت تام ائمه علیهم السلام تفاوت نظر دارند که البته طبق مبانی قرآن و روایات، حقانیت مذهب شیعه و لزوم پذیرش عصمت ائمه قابل اثبات است. همچنین شیخ قرضاوی در دوره سوم زندگی خود مهدویت را نیز زیر سؤال برده و شبهاتی بر آن وارد نموده که پاسخ های قاطع و روشنی به آن ها داده شده است. هم چنین شیخ قرضاوی برخلاف آیت الله خامنه ای، امر مرجعیت و قضاوت را برای زنان جایز می داند؛ که با دلایل عقلی و نقلی، چنین مسأله ای بسیار بعید به نظر می رسد.

منابع

کتاب

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، **البحر المحيط فی التفسیر**، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن ابی حاتم (عبد الرحمن بن محمد)، ۱۴۱۹ق، **تفسیر القرآن العظیم**، چاپ سوم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر.
۴. انصاری، مرتضی، بی تا، **فرائد الاصول**، بی جا: مؤسسه بلاغ مبین.
۵. بحرانی، یوسف، بی تا، **حقائق الناصره**، تحقیق علی آخوندی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۷ق، **الجامع الصحیح المختصر (صحیح البخاری)**، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر.
۷. جبرائیلی، یاسر، ۱۳۹۸ش، **روایت رهبری**، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران: نسیم انقلاب.
۸. حرانی حنبلی دمشقی، تقی الدین (ابن تیمیه)، ۱۴۰۶ق، **منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه**، تحقیق محمد رشاد سالم، چاپ اول، بی جا: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه.
۹. حسینی حلی، ۱۴۰۰ق، **سید علی بن طاووس، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف**، قم: چاپخانه ختام.
۱۰. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۶۹ش، **وظیفه فرد مسلمان در احیای حکومت اسلام**، چاپ اول، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، مشهد.
۱۱. _____، ۱۳۹۸ش، **ولایت فقیه در حکومت اسلام**، گردآوری محسن سعیدیان و محمد حسین راجی، چاپ پنجم، مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی.
۱۲. حسینی طهرانی، سید محمد محسن، ۱۳۹۳ش، **حیات جاوید**، تهران: مکتب وحی.
۱۳. حسینی همدانی، سید محمد حسین، ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان**، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی لطفی.
۱۴. _____، ۱۳۹۸ش، **خون دلی که لعل شد**، گردآوری محمد علی آذرشب، ترجمه محمد حسین باتمان غلیچ، چاپ سوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. _____، ۱۳۹۹ش، **حماسه امام سجاد علیهما السلام**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۶. _____، بی تا، **مکتوبات**، بی نا، بی جا: (نرم افزار حدیث ولایت).
۱۷. خسروشاهی، هادی، ۱۳۹۲ش، **اخوان المسلمین چه می گویند و چه می خواهند؟**، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۸. رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، **الذکر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
۲۲. طیب، سید عبد الحسین، ۱۳۷۸ش، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۲۳. طیب، سید عبد الحسین، ۱۳۷۸ش، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۲۴. عسقلانی (ابن حجر)، ۱۴۰۵ق، ابوالفضل احمد بن علی، **تغلیق التعلیق علی صحیح البخاری**، چاپ اول، بیروت: المکتب الاسلامی دار عمار.
۲۵. _____، ۱۳۷۹ق، **فتح الباری شرح صحیح البخاری**، تحقیق و تصحیح: محمدفؤاد عبدالباقی و محب‌الدین الخطیب و عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. العینی الحنفی، بدرالدین، بی‌تا، **عمدة القاری شرح صحیح البخاری**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. غفاری، مصطفی، ۱۳۹۸ش، **از نیمه خرداد**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، **کتاب العین**، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
۲۹. قرضاوی، یوسف، بی‌تا، **الإخوان المسلمون**، بی‌جا: مکتبه القرضاوی (موقع سماحة الشیخ یوسف القرضاوی).
۳۰. _____، ۱۴۱۴ق، **تیسیر الفقه فی ضوء القرآن و السنة (فقه الصیام)**، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۱. _____، بی‌تا، **خطب الجمعة**، بی‌جا، مکتبه القرضاوی (موقع سماحة الشیخ یوسف القرضاوی).
۳۲. _____، ۲۰۰۸م، **دراسة فی فقه مقاصد الشریعه**، چاپ سوم، قاهره: دارالشروق.
۳۳. _____، بی‌تا، **السیاسة الشرعیة فی ضوء نصوص الشریعة و مقاصدها**، بی‌جا: مکتبه القرضاوی (موقع سماحة الشیخ یوسف القرضاوی).
۳۴. _____، بی‌تا، **من فقه الدولة فی الإسلام**، بی‌جا: مکتبه القرضاوی (موقع سماحة الشیخ یوسف القرضاوی).
۳۵. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۶. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، بی‌تا، **المسند الصحیح المختصر (صحیح مسلم)**، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ق، **ینایع الموده لذوی القربی**، تحقیق: سیدعلی جمال اشرف الحسینی، بی‌جا: دار الاسوه لطباعه و النشر.
۳۸. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، ۱۴۰۴ق، **البیان فی اخبار صاحب الزمان** (مجلد دوم کفایه الطالب)، چاپ دوم، تهران: دار احیاء التراث اهل البيت.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰ش، **نظام حقوق زن در اسلام**، چاپ پنجاه و هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
۴۰. نوری، حسین (محدث نوری)، ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

سایت‌ها

41. <https://maktabevahy.org/Document/Article/Details/80>
42. <https://maktabevahy.org/Document/Speech/Details/699>
43. [یوسف-القرضاوی/2014/12/20](https://www.aljazeera.net/encyclopedia/2014/12/20/یوسف-القرضاوی)
44. [الأهلیة-السیاسیة-للمرأة/2005/3/23](https://www.aljazeera.net/programs/religionandlife/2005/3/23/الأهلیة-السیاسیة-للمرأة)
45. www.al-qaradawi.net/content/135 - الزواج - بناتی - الأربعاء
46. <https://www.al-qaradawi.net/node/4902>
47. <https://www.valiasr-aj.com/persian/index.php?id=1>
48. www.al-qaradawi.net/content/129 - احتلال - المسجد - الحرام - غرة - محرم 1400 هـ - 20 - نوفمبر 1979 م
49. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (بازدید ۱۴۰۳/۰۴/۱۸) <https://www.leader.ir/fa/content/14121>
50. پورتال رسمی مکتب وحی (بازدید ۱۴۰۳/۰۴/۱۸)
51. صفحه رسمی شبکه الجزيرة (بازدید ۱۴۰۳/۰۴/۲۸)
52. صفحه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (بازدید ۱۴۰۳/۰۴/۱۸)
- <https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=26142>
53. صفحه رسمی مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (بازدید ۱۴۰۳/۰۳/۲۵)
54. موقع سماحة الشيخ يوسف القرضاوی (بازدید ۱۴۰۳/۰۳/۱۸) www.al-qaradawi.net/content السيرة - الذاتية

۱۲۶

اندیشه‌های قرآنی
متفکران معاصر

دوفصلنامه علمی تخصصی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی